

1/15.9

۸۷/۱/۱۰۸۹۱۱

۸۸/۱/۳۶



دانشگاه تربیت مدرس
دانشکده علوم انسانی

رساله دوره دکتری فلسفه تعلیم و تربیت

**تبیین و ارزیابی دیدگاه‌های هابرماس درباره تربیت اخلاقی با تاکید بر
نظریه کنش ارتباطی**

رضاعلی نوروزی

استاد راهنما:

دکتر میرعبدالحسین نقیب‌زاده

اساتید مشاور:

دکتر خسرو باقری و دکتر محمود مهرمحمدی

کتابخانه اطلاع‌رسانی مرکز علمی پژوهشی
تربیت مدرس

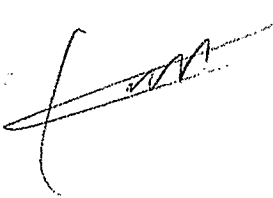
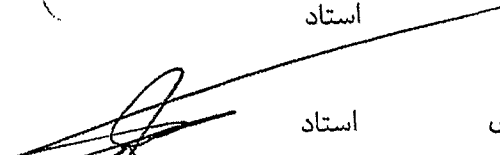
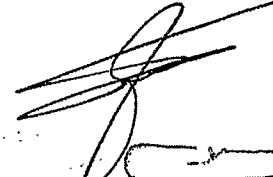
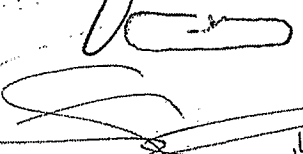


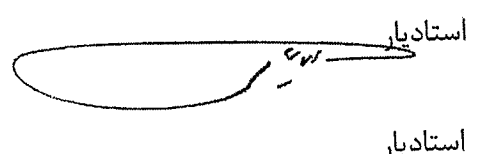
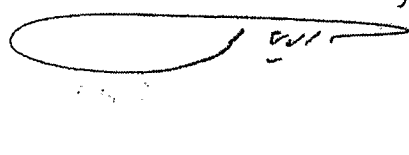
۱۳۸۸ / ۱ / ۱۰۸

بهمن ماه ۱۳۸۷

۱۱۲۰۰۹

تاییدیه اعضای هیات داوران حاضر در جلسه دفاع از رساله دکتری

اعضای هیات داوران نسخه نهایی رساله آقای رضاعلی نوروزی با عنوان «تبیین و ارزیابی دیدگاه‌های هابرماس درباره تربیت اخلاقی با تاکید بر نظریه کنش ارتباطی» را از نظر فرم و محتوا بررسی نموده و پذیرش آن را برای تکمیل درجه دکتری پیشنهاد می‌کنند.

امضاء	رتبه علمی	نام و نام خانوادگی	اعضای هیات داوران
	استاد	دکتر میرعبدالحسین نقیب‌زاده	۱- استاد راهنما
	استاد	دکتر خسرو باقری	۲- استاد مشاور
	استاد	دکتر محمود مهر محمدی	۳- استاد مشاور
	استاد	دکتر بختيار شعبانی‌ورکی	۴- استاد ناظر
	استادیار	دکتر محمد ضیمران	۵- استاد ناظر
	استادیار	دکتر سیدمهدی سجادی	۶- استاد ناظر
	استادیار	دکتر محسن ایمانی	۷- استاد ناظر
	استادیار	دکتر محسن ایمانی	۸- نماینده شورای تحصیلات تکمیلی

دستورالعمل حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهش‌های علمی دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه: با عنایت به سیاست‌های پژوهشی دانشگاه در راستای تحقق عدالت و کرامت انسانها که لازمه شکوفایی علمی و فنی است و رعایت حقوق مادی و معنوی دانشگاه و پژوهشگران، لازم است اعضای هیات علمی، دانشجویان، دانش‌آموختگان و دیگر همکاران طرح، در مورد نتایج پژوهش‌های علمی که تحت عناوین پایان‌نامه، رساله و طرح‌های تحقیقاتی که با هماهنگی دانشگاه انجام شده است، موارد ذیل را رعایت نمایند:

ماده ۱- حقوق مادی و معنوی پایان‌نامه‌ها / رساله‌های مصوب دانشگاه متعلق به دانشگاه است و هرگونه بهره‌برداری از آن باید با ذکر نام دانشگاه و رعایت آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های مصوب دانشگاه باشد.

ماده ۲- انتشار مقاله یا مقالات مستخرج از پایان‌نامه / رساله به صورت چاپ در نشریات علمی و یا ارائه در مجامع علمی باید به نام دانشگاه بوده و استاد راهنما مسئول مکاتبات مقاله باشد. تبصره: در مقالاتی که پس از دانش‌آموختگی بصورت ترکیبی از اطلاعات جدید و نتایج حاصل از پایان‌نامه / رساله نیز منتشر می‌شود نیز باید نام دانشگاه درج شود.

ماده ۳- انتشار کتاب حاصل از نتایج پایان‌نامه / رساله و تمامی طرح‌های تحقیقاتی دانشگاه باید با مجوز کتبی صادره از طریق حوزه پژوهشی دانشگاه و بر اساس آئین‌نامه‌های مصوب انجام می‌شود.

ماده ۴- ثبت اختراع و تدوین دانش فنی و یا ارائه در جشنواره‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی که حاصل نتایج مستخرج از پایان‌نامه / رساله و تمامی طرح‌های تحقیقاتی دانشگاه باید با هماهنگی استاد راهنما یا مجری طرح از طریق حوزه پژوهشی دانشگاه انجام گیرد.

ماده ۵- این دستورالعمل در ۵ ماده و یک تبصره در تاریخ ۱۳۸۴/۴/۲۵ در شورای پژوهشی دانشگاه به تصویب رسیده و از تاریخ تصویب لازم‌الاجرا است و هرگونه تخلف از مفاد این دستورالعمل، از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری می‌شود.

نام و نام خانوادگی

امضاء

رضا نوری

آیین‌نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهشهای علمی

دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه: با عنایت به سیاست های دانشگاه در راستای تحقق عدالت و کرامت انسانها که لازمه شکوفایی علمی و فنی است و رعایت حقوق مادی و معنوی دانشگاه و پژوهشگران ، لازم است اعضای هیأت علمی، دانشجویان ، دانش آموختگان و دیگر همکاران طرح، در مورد نتایج پژوهشهای علمی که تحت عناوین پایان نامه‌ها ، رساله و طرحهای تحقیقاتی با هماهنگی دانشگاه انجام شده است ، موارد زیر را رعایت نمایند:

ماده ۱- حق نشر و تکثیر پایان نامه / رساله و درآمدهای حاصل از آنها متعلق به دانشگاه می باشد ولی حقوق مادی و معنوی پدید آورندگان محفوظ خواهد بود.

ماده ۲- انتشار مقاله یا مقالات مستخرج از پایان نامه/ رساله به صورت چاپ در نشریات علمی و یا ارائه در مجامع علمی باید به نام دانشگاه بوده و با تأیید استاد راهنمای اصلی ، یکی از اساتید راهنما ، مشاور و یا دانشجوی مسئول علمی مستخرج از پایان نامه و رساله به عهده اساتید راهنما و دانشجو می باشد.

تبصره: در مقالاتی که پس از دانش آموختگی بصورت ترکیبی از اطلاعات جدید و نتایج حاصل از پایان نامه / رساله نیز منتشر می شود باید نام دانشگاه درج شود.

ماده ۳- انتشار کتاب و یا نرم افزار و یا آثار ویژه حاصل از نتایج پایان نامه / رساله و تمامی طرحهای تحقیقاتی کلیه واحدهای دانشگاه اعم از دانشکدهها ، مراکز تحقیقاتی ، پژوهشکدهها ، پارک علم و فناوری و دیگر واحدها باید با مجوز کتبی صادره از معاونت دانشگاه و براساس آئین نامه‌های مصوب انجام شود.

ماده ۴- ثبت اختراع و تدوین دانش فنی و یا ارائه یافته‌ها در جشنواره ملی ، منطقه ای و بین المللی که حاصل نتایج مستخرج از پایان نامه / رساله

و تمامی طرح های تحقیقاتی دانشگاه باید با هماهنگی استاد راهنما یا مجری طرح از طریق معاونت پژوهشی دانشگاه انجام گیرد.

ماده ۵- این آیین نامه در هماده و یک تبصره در تاریخ ۸۷/۴/۱ در شورای پژوهشی و در تاریخ ۸۷/۴/۲۳ در هیأت رئیسه دانشگاه به تأیید رسید و در جلسه مورخ ۸۷/۷/۱۵ شورای دانشگاه به تصویب رسیده و از تاریخ تصویب در شورای دانشگاه لازم الاجرا است.

رضا فرزند
رضا

تقدیم به:

گروه تعلیم و تربیت

دانشگاه تربیت مدرس

تقدیر و تشکر

خدای را سپاسگزارم که مرا آفرید و به من فرصت داد تا در قلمرو اندیشه و علم وارد شوم و در این مسیر گام بردارم که اگر لطف وی نبود این گونه نمی شد، پس زیباترین درودها و ثناها نثار حضرت دوست که هر چه نیکوییست از اوست.

پس از حمد حضرت حق، وظیفه خود می دانم مراتب تقدیر و تشکر خود را از اساتیدی ارجمندی که برای به نتیجه رسیدن این رساله زحمات زیادی متحمل شدند، اعلام نمایم؛ دکتر میر عبدالحسین تقیبزاده استاد محترم راهنما، دکتر خسرو باقری و دکتر محمود مهر محمدی اساتید محترم مشاور، دکتر توماس مک کارتی، دکتر ویلیام اوٹویت، دکتر کریس لاتیولیس، دکتر سیدمهدی سجادی، دکتر محسن ایمانی، دکتر بختیار شعبانی ورکی، دکتر محمد ضیمران و جناب آقای حمیدرضا شش جوانی و مهدی کریمی به دلیل همراهی و راهنمایی ارزشمندشان. آرزو می کنم حضرت حق آنگونه که شایسته این عزیزان است پاداشی به آنان عطا نماید که تنها اوست که می تواند و این تنها چیزی است که من می توانم.

همچنین مراتب تقدیر و سپاس ویژه‌ی خود از کلیه‌ی اساتید محترم گروه تعلیم و تربیت دانشگاه تربیت مدرس تهران که در طول دوره دکتری خود از دانش و بینش آن‌ها بهره گرفتم، به ویژه زنده یاد دکتر کاردان و زنده یاد دکتر سلیمی زاده، کلیه‌ی اساتید دوران تحصیل و معلمان گرامی و بزرگوار، پدر و مادر و اطرافیانم که با حمایت‌های بی دریغ خویش شرایط رشد اینجانب را فراهم نمودند، اعلام می نمایم. آرزو مندم که لطف و عنایت بی منتهی و ویژه‌ی حضرت حق شامل حال آنان نیز گردد.

در پایان از گذشت و سعه صدر همسر عزیز و دختر دلبندم که در طول دوره مشکلات مختلف به ویژه مسایل ناشی از نبود اینجانب را تحمل نمودند، صمیمانه سپاسگزاری می نمایم که اگر این گذشت و همراهی نیز نبود به پایان رساندن این مهم میسر نمی شد. امیدوارم حضرت حق این دو را نیز از الطاف خود بهره مند ساخته و همیشه و همه جا آنان در مسیر رشد و تعالی قرار دهد.

چکیده:

هدف پژوهش حاضر با عنوان تبیین و ارزیابی دیدگاه‌های هابرماس درباره‌ی تربیت اخلاقی با تاکید بر نظریه کنش ارتباطی، تبیین معناکاوانه و تحلیلی این مساله است. این پژوهش بر آن است تا شناخت الگوی تحلیلی و هنجاری نوآورانه‌ای از تربیت اخلاقی را فراهم کند. این الگو، هم از تربیت اخلاقی مطرح در فلسفه‌های کلاسیک و مدرن متمایز است و هم با تربیت اخلاقی که در گفتمان‌های اخیر نظیر فرانزگرایبی ارایه می‌شود، تفاوت‌هایی دارد. به طور کلی می‌توان گفت الگوی تربیت اخلاقی هابرماس را باید طرحی نو در فلسفه و به طور ویژه فلسفه تعلیم و تربیت تلقی کرد و به علاوه آن را می‌توان راه‌بردی برای صورت‌بندی یک فلسفه‌ی اخلاقی جدید دانست که می‌تواند مبنای نظریه‌پردازی‌های بعدی قرار گیرد. در واقع، پس از رنسانس آدمی بر آن بود تا با تسلط بر طبیعت به آرامش دست یابد و یا حداقل زندگی راحت‌تری را تجربه نماید، اما گذر زمان نشان داد که آدمی در دستیابی به آرمان‌ها و تصوراتی که تفکر مدرن مد نظر داشته ناموفق بوده است. در این میان عده‌ای به مخالفت با این روند برخاستند، ولی اندیش‌مندی چون هابرماس در پی بازسازی آن برآمد. هابرماس با تاثیرپذیری از اندیش‌مندان مختلف بر آن است که عقل مدرن نتوانسته تمام ابعاد خویش را آشکار سازد و تنها عقل ابزاری بر جامعه‌ی مدرن مسلط گشته است، لذا وی با طرح رویکرد معرفت‌شناختی جدید و نظریه‌ی کنش ارتباطی در پی بازسازی پروژه‌ی مدرنیته است که به زعم وی عقیم یا ناتوان مانده است. نتیجه تحقیق نشان می‌دهد که در سطح فردی رشد و شکوفایی خرد مبتنی بر ارتباط متقابل هنجاری (عقل ارتباطی) و در سطح اجتماعی دستیابی به تفاهم مبتنی بر کنش‌های اخلاقی هدف تربیت اخلاقی است که این امر هم در زمینه‌ای از آزادی و برابری صورت می‌گیرد و هم زمینه‌ساز رشد فضایی چون عدالت و آزادی می‌گردد. هم‌چنین هابرماس در بحث اصول تربیت اخلاقی هابرماس به جای تاکید بر عادت دادن، فضا سازی برای رشد عقلانی را مورد توجه قرار می‌دهد و نهایتاً هابرماس در قلمرو تربیت اخلاقی بر بهره‌گیری از روش‌هایی که زمینه را برای کنش ارتباطی یا بازسازی صورآگاهی اخلاقی فراهم می‌سازند، تاکید می‌نماید. در واقع، وی با طرح اخلاق گفت‌وگو و ارتباط بین‌الذهانی، استفاده از روش‌هایی نظیر مدیریت کلاس مبتنی بر خودنظمی برخاسته از مناظرات و یادگیری مشارکتی، کار فلسفی با کودکان که بر گفت‌وگوی آزادانه توجه می‌نمایند را مد نظر دارد.

کلید واژه:

کنش ارتباطی، تربیت اخلاقی، هدف، اصول، روش، عقل ارتباطی، اخلاق گفت‌وگو، ارتباط بین‌الذهانی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	فصل اول: مقدمه و کلیات طرح تحقیق
۲	۱-۱ درآمد
۴	۲-۱ بیان مساله
۸	۳-۱ تعریف مفاهیم اصلی تحقیق
۸	۴-۱ اهداف
۹	۵-۱ فرضیه‌ها
۱۰	۶-۱ اهمیت و ضرورت انجام تحقیق
۱۳	۷-۱ روش انجام تحقیق
۱۴	فصل دوم: پیشینه و مبانی نظری پژوهش
۱۵	۲-۱ مقدمه
۱۶	۲-۲ اشاره تاریخی
۳۱	۳-۲ خواجه نصیرالدین طوسی
۳۹	۴-۲ مبانی فکری هابرماس
۳۹	۱-۴-۲ کانت
۴۸	۲-۴-۲ هگل
۵۵	۳-۴-۲ مارکس
۵۹	۴-۴-۲ دورکیم
۶۳	۵-۴-۲ مید
۶۷	۶-۴-۲ وبر
۷۲	۷-۴-۲ لوکاچ

صفحه	عنوان
۷۴	۲-۴-۸- پارسونز
۸۰	۲-۴-۹- آدورنو
۸۳	۲-۴-۱۰- کلبرگ
۸۶	۲-۴-۱۱- آستین
۸۸	۲-۴-۱۲- سرل
۸۹	۲-۴- پیشینه پژوهش
۹۰	۲-۵-۱- پیشینه عام
۹۸	۲-۵-۲- پیشینه خاص
۱۰۳	فصل سوم: اندیشه‌های هابرماس و تربیت اخلاقی
۱۰۴	۳-۱- درآمد
۱۰۵	۳-۲- هابرماس و اندیشه‌های وی
۱۰۸	۳-۳- معرفت‌شناسی هابرماس
۱۱۰	۳-۳-۱- نظریه علایق معطوف به شناخت
۱۱۸	۳-۳-۲- نظریه انتقادی
۱۲۶	۳-۳-۳- نظریه کنش ارتباطی
۱۳۷	۳-۳-۳-۱- عقل ارتباطی
۱۴۳	۳-۳-۳-۲- اخلاق گفت‌وگویی
۱۴۶	۳-۳-۳-۳- ارتباط بین‌الذهانی
۱۴۹	۳-۳-۳-۴- زیست جهان
۱۵۵	۳-۴- دلالت‌های تربیت اخلاقی
۱۵۷	۳-۴-۱- هدف‌های تربیت اخلاقی

عنوان	صفحه
۱-۴-۳-۱- عقلا نیت فرد و جامعه	۱۵۹
۱-۴-۳-۱-۱- جنبه انتقادی	۱۵۹
۱-۴-۳-۱-۲- جنبه خلاق	۱۶۰
۱-۴-۳-۱-۳- جنبه تعهدی (الزامی)	۱۶۱
۱-۴-۳-۱-۴- جنبه متنی (زمینه‌ای)	۱۶۲
۱-۴-۳-۱-۴- جنبه تضمینی	۱۶۲
۲-۱-۴-۳- مسوولیت / خودفرمانی	۱۶۴
۳-۱-۴-۳- آزادی	۱۶۷
۴-۱-۴-۳- عدالت	۱۷۱
۲-۴-۳- اصول تربیت اخلاقی	۱۷۳
۱-۲-۴-۳- اصل غلبه بر خودمحوری	۱۷۴
۲-۲-۴-۳- اصل عقل‌ورزی	۱۷۸
۳-۲-۴-۳- اصل آگاهی‌بخشی	۱۸۰
۳-۴-۳- روش‌های تربیت اخلاقی	۱۸۴
۱-۳-۴-۳- کار فلسفی با کودکان	۱۸۹
۲-۳-۴-۳- یادگیری مشارکتی	۱۹۳
۳-۳-۴-۳- مدیریت کلاس / مدرسه	۱۹۷
۴-۳-۴-۳- رابطه معلم - دانش‌آموز	۱۹۹
فصل چهارم: نقد اندیشه هابرماس و تربیت اخلاقی	۲۰۴
۱-۴- درآمد	۲۰۵
۲-۴- نقد اندیشه‌های هابرماس با تاکید بر نظریه کنش ارتباطی	۲۰۵

عنوان	صفحه
۳-۴- چالش‌های فراروی تربیت اخلاقی از منظر هابرماس	۲۱۱
۳-۴- نقد اندیشه‌های هابرماس با توجه به اندیشه‌های خواجه نصیر	۲۱۵
۳-۴-۱- وجوه اشتراک اندیشه‌های هابرماس با اندیشه‌های خواجه نصیر	۲۱۷
۳-۴-۲- وجوه افتراق اندیشه‌های هابرماس با اندیشه‌های خواجه نصیر	۲۱۸
۴-۴- تربیت اخلاقی با عنایت به نقدهای صورت گرفته	۲۲۶
فصل پنجم: نتیجه‌گیری و پیشنهادها	۲۲۹
۱-۵- درآمد	۲۳۰
۲-۵- بررسی فرضیه‌ها و نتیجه‌گیری	۲۳۰
۳-۵- پیشنهادها	۲۴۵
فهرست منابع	۲۴۸
منابع فارسی	۲۴۹
منابع انگلیسی	۲۵۷
چکیده انگلیسی	۲۶۲

فهرست جدول‌ها و نمودارها

صفحه	عنوان
۷۵	جدول ۱-۲ ساختار نظام کلی کنش
۹۳	جدول ۲-۲ کاربرد نظریه دانش و علایق هابرماس در تعلیم و تربیت
۱۱۱	جدول ۱-۳ علایق شناختی و انواع علوم
۱۳۵	جدول ۲-۳ فرآیند تکوین و استنباط مراحل آگاهی اخلاقی
۱۴۲	جدول ۳-۳ انواع هم‌کنشی‌های مبتنی بر میانجی زبان در شکل خالص
۱۴۳	جدول ۴-۳ وجوه عقلانیت کنش
۱۴۸	جدول ۵-۳ ادعاهای اعتباری مطرح در کنش ارتباطی، زبانی و گفت‌وگویی
۱۸۶	جدول ۶-۳ انواع کنش
۱۸۷	نمودار ۱-۳ کنش‌های اجتماعی
۲۳۱	نمودار ۱-۵ الگوی نظری پژوهش
۲۳۲	نمودار ۲-۵ سطح اول و دوم الگو، مبانی نظری پژوهش و اندیشه‌های هابرماس
۲۳۳	نمودار ۳-۵ سطح سوم و چهارم الگو، تربیت اخلاقی هابرماس و مقایسه آن با خواجه
۲۳۴	نمودار ۴-۵ جزئیات اهداف در سطح سوم الگو
۲۳۷	نمودار ۵-۵ جزئیات اصول و روش‌ها و ارتباط آن‌ها در سطح سوم الگو

فصل اول

مقدمه و کلیات طرح تحقیق

۱-۱- درآمد

بحث اخلاق (نظری/ عملی) و به تبع آن تربیت اخلاقی تاریخی به قدمت تاریخ فلسفه دارد. آدمی از همان روزی که پا به عرصه‌ی هستی نهاد، اندیشیدن را آغاز کرد. این اندیشیدن با اندیشه در قلمرو چیستی خیر و سعادت و راه‌های دستیابی به آن همراه بود^۱. اما نکته این‌جاست که پس از گذشت سال‌های متمادی هنوز هم مسایل بسیار زیادی در قلمرو اخلاق و تربیت اخلاقی حل نشده باقی مانده است.

به نظر می‌رسد که اخلاق مقوله‌ای عملی است. به همین دلیل بود که ارسطو و پیروان وی، آن را جزو حکمت عملی لحاظ کردند، اما نکته‌ای که باید تذکر داده شود این است که وقتی از اخلاق صحبت می‌شود هم بحث عملی و هم بحث نظری مطرح می‌گردد. در واقع، این‌گونه می‌توان گفت که قلمرو اخلاق هم بر قواعد و اصول اخلاقی که انسان‌ها باید در عمل رعایت نمایند، و هم بر مطالعه‌ی نظری این مباحث اطلاق می‌گردد. هر چند به نظر می‌رسد در مورد مباحث نظری اطلاق علم اخلاق بسیار موجه‌تر یا رساتر باشد با این همه در عرف و به صورت متداول از واژه‌ی اخلاق برای هر دو منظور استفاده می‌شود.

نکته‌ی دیگری که باید در این‌جا بدان اشاره شود این است که از همان ابتدا متفکران و اندیش‌مندان که در مقوله‌ی اخلاق اندیشیده یا نظراتی داشته‌اند به بحث اخلاقی بار آوردن یا به بیان امروزی به مقوله‌ی تربیت اخلاقی نیز پرداخته‌اند؛ یعنی این‌که تربیت اخلاقی نیز قدمتی طولانی دارد و همراه با طرح مباحث اخلاقی، اهداف، اصول و روش‌های تربیت اخلاقی نیز تا حدودی تبیین شده‌اند. با این همه با این‌که آدمی در عرصه‌های مختلف به ویژه در قلمرو علم و

۱- برای اطلاع بیشتر به درآمدی به فلسفه میر عبدالحسین تقی‌زاده کتابخانه طهوری تهران چاپ پنجم ۱۳۸۰ رجوع کنید.

فن‌آوری به موفقیت‌های چشم‌گیر دست یافته اما در مقوله‌ی اخلاق و تربیت اخلاقی با چالش‌ها و مشکلات زیادی دست به گریبان است.

بررسی اندیشه‌های اندیش‌مندان مختلف بیان‌گر آن است که در قلمرو اخلاق رویکردها و دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد و این تفاوت از یک‌سو خود ناشی از اهمیت این مقوله و از سوی دیگر دشواری و پیچیدگی این امر است. به همین دلایل است که اندیش‌مندان مختلف به آن پرداخته و هر کسی از منظر خویش به آن نگریسته است. اما مسأله‌ی مهم این است که اندیشه‌ی خردورزان وارد عرصه عمل عموم نشده و اخلاق در حد نظر باقی مانده است. این در حالی است که با عنایت به تقسیم‌بندی ارسطو اخلاق جزو حکمت عملی محسوب شده و انتظار می‌رفت که مباحث این حوزه وارد قلمرو عمل عموم گردد و در عمل مشکلات و مسایل اخلاقی حل گردد.

در عصر حاضر دسته‌ای از اندیش‌مندان که با عنوان دیدگاه انتقادی یا مکتب فرانکفورت شناخته می‌شوند و یورگن هابرماس^۱ یکی از درخشان‌ترین و مشهورترین آنان است مدعی شدند که با نقادی زبان که وسیله‌ی تفهیم و تفاهم یا آلت استیلائی اجتماعی است و هم‌چنین نقادی فرهنگ کار فلسفی مسیر درست خویش را می‌یابد. بدیهی است که این دیدگاه و نقطه نظر به حوزه‌ی اخلاق نیز کشیده شده و اینان با بهره‌گیری از نقادی زبان و فرهنگ در قلمرو اخلاق به کار فلسفی در این زمینه پرداخته‌اند و سعی آنان تلاش برای بازسازی میدان نظر و عمل قلمرو اخلاقی بوده است. نکته‌ی جالب توجه در اندیشه این متفکران به ویژه هابرماس آن است که سعی کرده‌اند با نقد زبان و فرهنگ، اخلاق را که طی قرون گذشته به ویژه پس از ارسطو به حوزه فردی رانده شده، به قلمرو اجتماعی کشانده و زمینه را برای بازنگری فرهنگی به صورتی اساسی مهیا سازد که در این رساله برآنیم تا این مهم در حد وسع خویش و ظرفیت این رساله تبیین گردد.

در این فصل چارچوب کلی پژوهش ترسیم می‌گردد. پس از ذکر مقدمه، مسأله‌ی اصلی که این پژوهش در پی دستیابی به پاسخ آن است، بیان می‌شود. تلاش شده تا به قدر وسع محقق به صورتی مختصر و مفید مسأله پژوهش و سؤالات اصلی را که این تحقیق بر آن است پاسخ‌گوی آن‌ها باشد بیان گردد. سپس واژگان اصلی پژوهش تعریف شده‌اند که این امر نیز خود به درک بهتر مسأله کمک خواهد کرد. در این قسمت نیز سعی بر آن بوده تا کلمات کلیدی پژوهش به

۱- Jurgen Habermas

صورتی مختصر و در عین حال گویا تعریف شوند. در ادامه اهداف پژوهش، فرضیه‌ها و اهمیت و ضرورت پژوهش بیان می‌شوند. بدیهی است که این مباحث به ویژه اهمیت و ضرورت فضای کاربردی و نظری نتایج پژوهش را مشخص می‌نماید و روشن می‌کند که این پژوهش در چه قلمروها و فضاهایی قابل استفاده بوده و چه کمک یا کمک‌هایی را به توسعه دانش و تولید علم در عرصه نظر می‌نماید و یا به عبارتی بهتر چه فضاهایی را برای این امر مهیا می‌سازد. در پایان نیز روش انجام تحقیق به عنوان یکی از مباحث اصلی پژوهش مورد بحث قرار می‌گیرد.

۱-۲- بیان مساله

به نظر می‌رسد که در حوزه‌ی تعلیم و تربیت یکی از مهم‌ترین، تاثیرگذارترین و در عین حال دشوارترین مباحث تربیت اخلاقی و اخلاقی بارآوردن کودکان است. لذا پرداختن به مباحث مربوط به اخلاق و به تبع آن تربیت اخلاقی از جایگاه رفیعی برخوردار است.

به زعم نقیب‌زاده (۱۳۸۰: ۱۳) از هنگامی که آدمی وارد جامعه شد، زندگی وی با بایدها و نبایدهایی همراه گردید. هر چند این بایدها و نبایدها از خاستگاه‌های مختلف برخاسته‌اند، اما به صورت آداب، رسوم و قواعد و قوانین بر نحوه‌ی زندگی آدمیان حکم رانده‌اند. اگر آدمی از بایدها و نبایدها که پیش‌تر به صورت روا و ناروا و یا پسندیده و ناپسند عرضه می‌شوند فراتر رود و نیک را از بد بازشناسد و این شناخت ارزش نیک وی را رفتار شایسته برانگیزد، در راه انسان شدن گام برداشته و به قلمرو اخلاق رسیده است.

با عنایت به این‌که انسان شدن آدمی در گروه رسیدن به قلمرو اخلاق و بازشناسی نیک از بد است، لذا اندیش‌مندان مختلف و برجسته به آن پرداخته‌اند، لذا این‌گونه می‌توان گفت که در قلمرو اخلاق و تربیت اخلاقی دیدگاه‌های متفاوتی وجود داشته است. به عنوان مثال در مورد این نکته که اخلاق و تربیت اخلاقی بحثی اجتماعی یا فردی است شواهد بیان‌گر آن است که اخلاق و به دنبال آن تربیت اخلاقی به ویژه پس از ارسطو مقوله‌ای فردی در نظر گرفته شده است. نکته‌ی دیگر آن‌که در تربیت اخلاقی عمده‌ی اندیش‌مندان مختلف به عادت دادن و بارآوردن اعتقاد داشته و حداقل در آغاز کار تربیت اخلاقی بر عادت دادن تاکید کرده‌اند. وجود مسایل و چالش‌های

گونگون غیر اخلاقی در جوامع بشری از یکسو و مباحثی چون تاکید بر عادت دادن و بار آوردن از سوی دیگر پرداختن به دیدگاه‌ها و اندیشه‌های جدید و تلاش برای حل کردن این مسایل را ضروری می‌نماید.

روشن است که هابرماس اندیشه‌های نسبیت‌گرایانه افراطی نیچه^۱ و فیلسوفان پست‌مدرن را مورد تردید قرار می‌دهد و در کوششی برای تاسیس اخلاق بر مبنای عقل (خرد) با بهره‌گیری از آرای سرل^۲ و آستین^۳ عقل از تباطی را مطرح می‌سازد. هابرماس با این مقدمه‌ها در پی تاسیس اخلاق مناظره و بحث عقلانی است. او علیرغم تلقی‌ها و برداشت‌های مختلفی که بر طبق آن‌ها نمی‌توان در مسایل عملی به مدد عقل تصمیم گرفت و قواعد راهنمای عمل را با عقل مقرر کرد، همانند استراوسن^۴ به شهادت اعمال زبان روزمره اعتماد کرده و از آن شاهد می‌آورد. به نظر وی مرجع حقانیت قواعد عرفی است (لاکوست^۵، ترجمه داوری، ۱۳۷۵: ۱۸۲). در واقع این‌گونه می‌توان بیان کرد اخلاق مورد نظر هابرماس از این لحاظ که در پی دستیابی به اصول جهانی است با دیدگاه‌های کانت^۶ هم‌خوانی دارد، اما از چندین لحاظ عمده با این اندیشه‌ها متفاوت است که از جمله به این موارد می‌توان اشاره کرد؛ اول این‌که طرح عقل ارتباطی که با خرد مورد نظر کانت و فیلسوفان دیگر متفاوت است و دیگر آن‌که اخلاق کانتی از لحاظی کاملاً فردی و درونی است در حالی که هابرماس به گونه‌ای اخلاق اجتماعی یا دستیابی به اجماع و توافق معتقد است که این امر با اندیشه‌های استعلایی کانت نیز ناسازگار می‌نماید.

خلاصه آن‌که هابرماس دیدگاه نظریه‌پردازان روشنگری نظیر کانت و دکارت^۷ را در مورد حقیقت مبنی بر تبیین شرایط پیشینی صدق که مستقیماً از درون تجربه ذهنی و فردی سوژه عقلانی استنتاج می‌گردد، نمی‌پذیرد. به بیان دیگر هابرماس توصیف استعلایی و ایده‌آلیستی از اندیشه را رد می‌کند، اما در دام نسبیت‌گرایی افراطی که فرانوگرایان مطرح می‌سازند نیز نمی‌افتد. به عبارت

1- Friedrich W. Nietzsche (1844- 1900)

2- John Roy Searle (1932-)

3- John Langshaw Austin (1911- 1960)

4- Strawson, P. F.

5- Jean Lacoste

6- Immanuel Kant (1724-1804)

7- Rene Descartes (1596- 1650)

دیگر او نمی‌خواهد به طور کامل از اندیشه و حقیقت چشم‌پوشد، لذا نظریه‌کنش ارتباطی را مطرح می‌سازد. بر این اساس حقیقت همواره امری است منبعث از وفاق (اجماع). پذیرش این نظریه بدان معناست که هرگز نمی‌توان بیرون و مستقل از تجارب بین‌الذهانی که در قالب زبان و ارتباط زبانی تحقق می‌پذیرد به جست‌وجوی شرایط صدق پرداخت و درست در همین نقطه نظریه اخلاق هابرماس متولد می‌شود. به عبارت دیگر نظریه‌کنش ارتباطی زمینه را برای تولد نظریه اخلاق و همچنین حل مشکلات و ایرادات وارده بر دیدگاه‌های معرفت‌شناسی هابرماس فراهم می‌سازد. برای همین است که معیارهای صدق (شرایط صدق) هابرماس از نظام‌های ایده‌آل و استعلایی به دست نمی‌آیند، بلکه از فعالیت‌های انسانی که از لحاظ تاریخی تعریف و تبیین شده‌اند استنتاج می‌شوند (بختیارنصرآبادی و دیگران، ۱۳۸۴).

به طور کلی می‌توان گفت که با توجه به دیدگاه‌های هابرماس در مقوله‌ی اخلاق به ویژه نظریه‌ی کنش ارتباطی، در مقوله‌ی تربیت اخلاقی هابرماس به هیچ وجه با عادت دادن که آن را مبنای ایجاد فضایل نیکو می‌انگارند موافق نیست، چرا که وی در نظریه‌ی کنش ارتباطی از شرایط ایده‌آل بیان برای دستیابی به توافق و اجماع سخن می‌گوید. لذا به نظر می‌رسد پرداختن به اندیشه‌های اخلاقی هابرماس مباحث ضروری بوده و دلالت‌های جدیدی را برای تربیت اخلاقی روشن سازد.

با توجه به موارد فوق در مورد اندیشه‌های هابرماس و آثار و پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه‌ی اندیشه‌های وی، بالاخص اندیشه‌های اخلاقی وی به نظر می‌رسد که اندیشه‌های هابرماس در قلمرو اخلاق و به تعاقب آن دلالت‌های تربیتی آن با اندیشه‌های فیلسوفان گذشته متفاوت است. در یونان باستان به ویژه بر اساس اندیشه‌های افلاطون^۱ اخلاق در سطح فردی و مدنی طرح شده، اما در تاریخ فلسفه با عنایت به تقسیم‌بندی ارسطو در مورد دانش عملی (تدبیر منزل، اخلاق و سیاست مدن) اخلاق به سطح فردی رانده شده و متأسفانه این دیدگاه و تقسیم‌بندی مورد پذیرش فیلسوفان و متفکران مختلف و حتی اندیش‌مندان اسلامی قرار گرفته است. هر چند کانت تغییرات اساسی در زمینه اخلاق رقم زد، اما باز هم اخلاق در سطح فردی باقی ماند. ضمن آن که وجدان

1- Plato (428/427 -348/347 BC)

اخلاقی یا خرد مورد نظر کانت ذاتی انسان است، در حالی که هابرماس با طرح خرد ارتباطی ضمن آرایه و وارد کردن اخلاق در حوزه‌ی اجتماعی دیدگاه تاثیرگذاری را طرح کرده است. این مساله از این جهت نیز قابل توجه است که اندیش‌مندان مکتب فرانکفورت به طور اعم و هابرماس به طور اخص در پی بهره‌گیری از مباحث انتزاعی فلسفی برای بهسازی و بازسازی زندگی اجتماعی و فردی انسان‌ها هستند و این شاید یکی از تفاوت‌های اندیشه‌ی هابرماس با قدامت است. به هر صورت هر چند محققان مختلف به تحلیل اندیشه‌های اخلاقی هابرماس پرداخته‌اند، اما مساله اصلی این پژوهش این است که دیدگاه‌های فلسفی هابرماس به ویژه نظریه‌ی کنش ارتباطی چه دلالت‌هایی برای تربیت اخلاقی به دنبال دارد؟ بدیهی است که پرداختن به نظریه‌ی کنش ارتباطی با رویکردی به تربیت اخلاقی می‌تواند اهداف و غایت‌ها، اصول و روش‌های تربیت اخلاقی را به طور جدی دست‌خوش بازنگری و بازاندیشی قرار دهد. لذا با عنایت به گستره‌ی اندیشه‌ی هابرماس و کارهای صورت گرفته در زمینه‌ی تعلیم و تربیت، به ویژه تربیت اخلاقی محقق بر آن است تا با محور قرار دادن نظریه‌ی کنش ارتباطی و با استفاده از روش تحلیلی-استنباطی ضمن مطالعه و دسته‌بندی اندیشه‌های هابرماس و تلاش برای ارزیابی آن‌ها بر اساس اندیشه‌ی نظیر خواجه نصیرالدین طوسی، دلالت‌های آن‌ها را برای تربیت اخلاقی استخراج نماید.

در واقع سوالات این پژوهش عبارتند از:

- ۱- دلالت‌های اندیشه‌های هابرماس برای تربیت اخلاقی کدامند؟
 - ۱-۱- با عنایت به اندیشه‌های هابرماس اهداف تربیت اخلاقی کدامند؟
 - ۱-۲- با عنایت به اندیشه‌های هابرماس اصول تربیت اخلاقی کدامند؟
 - ۱-۳- با عنایت به اندیشه‌های هابرماس روش‌های تربیت اخلاقی کدامند؟
- ۲- چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی در زمینه اهداف، اصول و روش تربیت اخلاقی در اندیشه‌ی خواجه نصیرالدین طوسی و اندیشه‌ی هابرماس وجود دارد؟